

نقش اقتصادی اتحادیه عرب

عبدالمعزم سید علی

ترجمه: ماجد نجار

اتحادیه عرب همواره درباره نقش اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی و فرهنگی خود با انتقادهایی روبه روست. پرسش درباره چگونگی این نقش و خواسته ها، ما را به بررسی این واقعیت می کشاند که این اتحادیه چیست و چه هدفهایی دارد و تاکنون چه دستاوردهای داشته است.

۱. وضعیت حقوقی و سیاسی اتحادیه عرب همچنان که در منشور آن آمده است:

اتحادیه عرب یک سازمان منطقه ای با جنبه دوگانه قومی و کشوری است، در نتیجه از همان آغاز پیدایش، این اتحادیه همواره با این تضاد قومی و کشوری روبه رو بوده است. منشور اتحادیه عرب حاکمیت هر یک از کشورهای عربی را محترم شمرده و این اتحادیه را ابزار هماهنگی آنها معرفی کرده است، نه ابزار وحدت و یگانگی. این

اتحادیه همواره بر حاکمیت و استقلال تمامی کشورهای عضو تأکید کرده است، در نتیجه به طور مداوم میان جناح ناسیونالیست عرب و هواداران استقلال کشورهای عربی برخورد به وجود آمده که همیشه بر روابط سیاسی میان عرب ها تأثیر گذارده است.

اتحادیه عرب با جناح سومی نیز روبه روست که همانا سیاستهای بین المللی و دخالتهای آن در کشورهای عربی با توجه به گرایشهای سیاسی حکومتهای عربی عضو این اتحادیه است. بنابراین، اتحادیه عرب در تصمیم گیریهای خود با خواسته های بعدی روبه روست که عبارتند از اندیشه های ناسیونالیستی، خواسته های کشورهای عضو و خواسته های جامعه بین المللی.

اتحادیه عرب ناچار است قطعنامه هایی صادر کند که با اصول ناسیونالیسم عربی در تضاد نباشد و در عین حال محدودیتهای اعمال شده از سوی کشورهای عربی را نیز رعایت کند؛ چون پایتختهای عربی از آن بیم دارند که اتحادیه در منعکس کردن اندیشه های ناسیونالیسم زیاده روی کند و همچنین ناچار است زیر بار فشارهای

بین‌المللی قرار بگیرد که هدف از آن برقراری توازن در برابر پیمانها و توافقه‌های کشورهای عربی است.

ماده هشتم منشور اتحادیه عرب، هدف از تشکیل آن را تحکیم روابط میان کشورهای عضو و هماهنگی طرح‌های سیاسی برای دستیابی به استقلال و حاکمیت و حمایت از آن برشمرده است. همچنین همکاری‌های اقتصادی و مالی؛ از جمله مبادله‌های بازرگانی، گمرکی و پول، کشاورزی و صنایع، و نیز حمل و نقل؛ از جمله، راه‌آهن و جاده‌سازی و کشتی‌رانی و پست و تلگراف و هواپیمایی را مورد تأیید قرار داده است.

به طور کلی تصمیم‌ها و قطعنامه‌های اتحادیه عرب به وسیله کشورهای عضو اتخاذ می‌شود و نه از سوی اتحادیه. بنابراین، اتحادیه عرب چارچوبی برای هماهنگی همکاری‌ها میان کشورهای عضو است که باید این تصمیم‌ها را بدون تعهد و پایبندی به اجرا گذارند، چرا که اتحادیه فاقد ابزار برای وادار کردن اعضا به اجرای قطعنامه‌ها و تصمیم‌های اتخاذ شده از سوی آنهاست و این خود نوعی چالش برای اتحادیه عرب

است؛ چون آن را به صورت سازمانی بی‌دفاع در می‌آورد که نه قادر است تصمیم‌گیری کند و نه صلاحیت به اجرا گذاردن تصمیم‌های اتخاذ شده را دارد.

۲. چارچوب تشکیلاتی نقش اقتصادی اتحادیه عرب؛

کمیسیون مسایل اقتصادی تا سال ۱۹۵۳ برای هماهنگ‌سازی فعالیت‌های اقتصاد فعالیت داشت اما در این سال شورای اقتصادی و اجتماعی جایگزین آن شد. در سال ۱۹۵۷ قرارداد وحدت اقتصادی به امضا رسید که قرارداد بیشتر از آنکه وسیله‌ای برای دستیابی به وحدت اقتصادی باشد، جنبه آرمانی داشت. تنها سیزده کشور آن را امضا کردند و به آن پیوستند. وجود دو شورای اقتصادی، و وحدت اقتصادی نوعی دوگانگی در اختیارات و فعالیت‌های آن به وجود آورد، ضمن آنکه شورای وحدت اقتصادی ضعیفتر بود؛ چون تمامی کشورهای عرب عضو اتحادیه به عضویت آن در نیامدند و عده‌ای از کشورها ترجیح دادند به جای بهره‌برداری از امکانات بازار مشترکی که این شورا آن را

برقرار کرد، از امکانات غیر منطقه ای و غیر عربی استفاده کنند.

شورای وحدت اقتصادی براساس وحدت پایه گذاری شد، در حالی که شورای اقتصادی و اجتماعی بر اصل همکاری و هماهنگی استوار بود و این خود تضادی در

هدفها و ابزارهای فعالیت این شورا به وجود

آورد. در دهه ۱۹۷۰ کشورهای عرب به

اجرای طرحهای مشترک اقتصادی روی

آوردند که در چارچوب سرمایه گذاریهای

مشترک صورت می گرفت. در آغاز دهه

۱۹۹۰، این سرمایه گذاری به ۴۱۸۵ طرح

اقتصادی مشترک با سرمایه ۲۶ میلیارد دلار

بالغ شد. بدین ترتیب و با وجود پیدایش

۶۰ سازمان اقتصادی وابسته به اتحادیه

عرب و یا در چارچوب آن، نسبت بسیار

ضعیفی از تکامل اقتصادی میان اعراب

به دست آمد. حتی برای گفتگو و

همکاریهای مشترک میان گروه بندیهای

اقتصادی دیگر مانند اتحادیه اروپا و یا

روباروبی با سازمان تجارت جهانی، اتحادیه

عرب نقشی برعهده نداشت و این در حالی

است که روابط اقتصادی میان کشورهای

عربی از یک سو و کشورهای پیشرفته به ویژه

اتحادیه اروپا، آمریکا و ژاپن از سوی دیگر، رو به گسترش نهاد. در حالی که مبادله های بازرگانی میان کشورهای عرب بسیار ناچیز است و بیش از ده درصد مجموع تجارت خارجی کشورهای عربی را تشکیل نمی دهد.

احساس بی نیازی و خودخواهی

کشورهای ثروتمند عرب نفت خیز در برابر

دیگر کشورهای عرب، آنها را واداشت تا به

همکاری بیشتر با یکدیگر روی آورند و روابط

اقتصادی خاصی با کشورهای پیشرفته

صنعتی برقرار سازند و مازاد درآمدهای

نفتی خود را در بازار پول کشورهای صنعتی

به کار گیرند. بنابراین، منافع کشورهای

سرمایه گذار با کشورهایی که سرمایه در آن

به کار گرفته شده است آنچنان ارتباط

تنگانگی پیدا کرد که به سختی می توان آن

را از یکدیگر جدا نمود.